

Ethical Effects of the Reception of Assisted Suicide in Iranian Law

Somayeh Lashgari¹, Hasan Asadi²

Abstract

Background and aim: Today, the topic of Euthanasia and one of its variants, it means assisted suicide, has caused a lot of controversy in the legal circles of the world. Assisted suicide is used as a way to end the natural life of incurable patients. This article seeks to investigate the ethical effects of assisted suicide by a consequentialist approach in Iranian law.

Method: This article that using a descriptive-analytical approach and relying on documentary and library sources, has focused on the issue of assisted suicide from the moral point of view and especially from the viewpoint of the Holy Qur'an, traditions and Islamists.

Results: The most important findings of the present study are the disagreement of assisted suicide From Islamic perspective and assisted suicide in the West. One of the most important effects of assisted suicide acceptance is a clear violation of religious rules and social rights of patients and olds.

Conclusion: Acceptance of assisted suicide can promote non-responsibility between medical community and the prevalence the mistrust in the community. Also the opportunistic view of Islamic law towards patients also takes its place to a threatening one, that Instead of caring of uncured patients, they are released into various forms of society and also it destroys suicide ugly.

Keywords

Euthanasia, Assisted Suicide, Islamic Ethics, Uncured Patients, Jurisprudence

1. Ph.D. Student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Varamin Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Varamin Pishva Branch, Islamic Azad University, Iran.

(Corresponding author)

Email: asadihasan171@gmail.com

Article Original

Received: 18 Sep 2019

Accepted: 20 Jan 2020

سال چهاردهم، شماره پنجاه و دوم، بهار ۱۳۹۹

۲۱۰ / فصلنامه حقوق پزشکی

Please cite this article as: Lashgari S, Asadi H. Ethical Effects of the Reception of Euthanasia in Iranian Law. Iran J Med Law 2020; 14(52): 209-229.

آثار اخلاقی پذیرش خودکشی مساعدت‌شده در حقوق ایران

سمیه لشکری^۱

حسن اسدی^۲

چکیده

زمینه و هدف: امروزه موضوع آتانازی و یکی از انواع آن، یعنی خودکشی مساعدت‌شده، جنجال‌های زیادی در محافل حقوقی جهان ایجاد کرده است. خودکشی مساعدت‌شده به عنوان شیوه‌ای برای پایان‌دادن به حیات طبیعی بیماران لاعلاج مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقاله با رویکردی پیامدگرا درصدد تحلیل آثار اخلاقی خودکشی مساعدت‌شده در فرض پذیرش آن در حقوق ایران است. **روش:** مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، موضوع خودکشی مساعدت‌شده را از منظر اخلاقی و مخصوصاً از دیدگاه قرآن کریم، روایات و اسلام‌شناسان مورد توجه قرار داده است.

یافته‌ها: مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، عدم همخوانی خودکشی مساعدت‌شده از منظر اخلاق اسلامی با خودکشی مساعدت‌شده در غرب است. همچنین نقض آشکار قواعد شرعی و حقوق اجتماعی بیماران و سالمندان از مهم‌ترین آثار پذیرش خودکشی مساعدت‌شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: پذیرش خودکشی مساعدت‌شده می‌تواند مسؤلیت‌گریزی جامعه پزشکی و رواج بی‌اعتمادی در جامعه را دامن بزند. همچنین نگاه فرصت‌گرایانه حقوق اسلامی نسبت به بیماران جای خود را به نگاه تهدیدآمیز می‌دهد که به جای نگهداری از بیماران لاعلاج در قالب‌های مختلفی در جامعه رها می‌شوند و همچنین قبح خودکشی را نیز از بین می‌برد.

واژگان کلیدی

آتانازی، خودکشی مساعدت‌شده، اخلاق اسلامی، بیماران لاعلاج، فقه

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین پیشوا، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: asadihasan171@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۶/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

مقدمه

قانونگذاران در عرصه‌های مختلف حقوقی و اخلاقی همواره در معرض مسائل و رویدادهای تازه‌ای قرار دارند. برخی از این رویدادها ممکن است به مثابه یک فرصت تلقی شوند و به دلیل سازگاری با شرایط فرهنگی، حقوقی و تقنینی یک جامعه از درجه مطلوبیت بالایی نیز برخوردار باشند. برخی دیگر نیز می‌توانند به عنوان نوعی تهدید و چالش تلقی شوند و حتی آثار اخلاقی نامطلوبی در حوزه‌های اجتماعی و فردی بر جای بگذارند. بنابراین در بررسی و پذیرش قوانین حقوقی و مدنی، اصل اساسی این است که روایی و ناروایی هر یک از قوانین را برحسب اخلاق اجتماعی آن جامعه مورد توجه قرار داد. از این منظر، برخی قوانین و قواعد ممکن است در یک جامعه از اقبال عمومی بالایی برخوردار باشند و برخی دیگر نیز ممکن است به شدت توسط جامعه طرد و نفی شوند. موضوعات مزبور مخصوصاً اگر در حوزه‌های حقوقی و اخلاقی باشند، دارای آثار و تبعات مختلفی هستند که عدم توجه به آنان می‌تواند به مثابه زیر پا گذاشتن قواعد شرعی و حقوقی یک جامعه نیز تلقی شود.

خودکشی مساعدت‌شده پزشکی یکی از موضوعات مطرح‌شده و مستحدثه در زمانه کنونی است که با الهام از قوانین غربی، مدتی است محافل پزشکی و حقوقی کشور ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است. خودکشی مساعدت‌شده پزشکی که یکی از انواع آتانازی (مرگ آسان) به شمار می‌رود، به معنای مساعدت پزشک برای پایان دادن به زندگی بیمار از روی ترحم و دلسوزی است. در واقع این روش به بیمارانی که با مشکلات لاعلاج دست و پنجه نرم می‌کنند، کمک می‌کند تا به حیات خویش پایان دهند. خودکشی مساعدت‌شده یا روش‌های دیگر آتانازی در برخی کشورهای اروپایی، از جمله هلند به عنوان یک روش قانونی مورد پذیرش قرار گرفته است و حتی قوانینی در حمایت از آن وجود دارد. با این حال، در جامعه ما به دلیل تسلط فقه و قانونگذاری مبتنی بر نصوص شرعی و فقهی جایی برای پذیرش این قانون وجود ندارد، همچنانکه قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای تا حدی نسبت به جنبه‌های مختلف این موضوع توجه نشان داده‌اند. به عبارت دیگر، با صراحت باید گفت نگاه قانونگذار در این زمینه با تکیه بر منابع دینی و فقهی بر حرمت خودکشی مساعدت‌شده معطوف گردیده، همانگونه که این موضوع به وضوح در آرای اغلب فقها و اسلام‌شناسان نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

پژوهش حاضر درصدد است تا جنبه‌های اخلاقی خودکشی مساعدت‌شده پزشکی را با نگاهی به قرآن، آیات و روایات و در چارچوب حقوق داخلی ایران مورد توجه قرار دهد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آثار اخلاقی خودکشی مساعدت‌شده از منظر آیات قرآن، ادله فقها و اسلام‌شناسان کدام است؟ و در صورت پذیرش خودکشی مساعدت‌شده چه تبعات و آثار منفی بر این قانون مترتب است؟ با توجه به حرمت خودکشی مساعدت‌شده در قوانین داخلی و فقه شیعی و حتی بالاتر از آن نفی و حرمت «آتانازی» و همچنین تأکید آموزه‌های اسلامی بر حفظ کرامت نفسانی انسان، ضرورت دارد تا جنبه‌های اخلاقی این موضوع مورد بررسی قرار گیرد. به این دلیل که در صورت غفلت از آثار اخلاقی این قانون، اخلاق فردی و اجتماعی مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد و دیری نخواهد پایید که قوانین غیر دینی و سکولار جایگزین قوانین ناب دینی خواهند شد. قوانین مزبور ممکن است در قالب‌های مختلفی از جمله حق آزادی انتخاب و خودمختاری انسان به صورت یک باور عمومی جلوه‌گر شوند. بنابراین بررسی آثار و تبعات اخلاقی این موضوعات یکی از نیازهای ضروری جامعه اسلامی است.

تعاریف و مفاهیم

۱- آتانازی

خودکشی مساعدت‌شده یکی از اقسام شیوه‌های مرگ آسان است که به طور کلی تحت عنوان «آتانازی» مطرح می‌شوند.

از منظر ریشه لغوی، «آتانازی» اصطلاحی یونانی و برگرفته از مفاهیم رایج در یونان باستان است. در تعریف این واژه در برخی تحقیقات چنین آمده است: در لغت، واژه «آتانازی»، «آتانازی»، «آتانازی»، «یوتانازی»، «یونازیا»، تلفظ فارسی Euthanasia در زبان انگلیسی است. این واژه خود از دو کلمه EU به معنی خوب و Thantos به معنی مرگ، مشتق شده است و در فارسی به بیمارکشی با ترحم، بیمارکشی طبی، تسریع در مرگ محتضر، مرگ مشفقانه، قتل از روی ترحم، مرگ خودخواسته، به مرگی، مرگ آسان، مرگ راحت و مرگ سفید ترجمه گردیده که برخی ترجمه‌های ارائه شده دارای بار منفی است، البته به دلیل قبح ذاتی واژه، ترجمه‌های آن با بار منفی ترجیح دارد. نویسندگان عرب‌زبان هم واژگان الموت‌الیسیر، الموت‌الجید، الموت‌الکریم، موت‌الرحمه، تیسیر الموت، القتل‌الرحیم و رصاصه‌الرحمه را به کار برده‌اند (۱).

در اصطلاح نیز واژه اتانازی دارای معنای مختلفی است که غالباً یک مفهوم را به ذهن متبادر می‌سازند. مفهومی که البته بسیار چالشی و مجادله‌برانگیز است و در نظام‌های حقوقی دنیا نسبت به آن تعابیر و برداشتهای مختلفی صورت پذیرفته است. در هر صورت اتانازی را به معنای به مرگی، به مردن، مرگ خوب یا مرگ آسان (Easy Death) ترجمه کرده‌اند (۲). گاهی خودکشی مساعدت‌شده نیز با عناوین دیگری همچون «قتل از روی ترحم»، «قتل از روی شفقت»، «مرگ سبز»، «مرگ آرام»، «مرگ شیرین» و «اتانازی» شناخته می‌شود.

به هر حال، اتانازی به معنای قتل ترحم‌آمیز یا مرگ آسان به کار می‌رود (۳). از این منظر، اتانازی دارای جنبه‌های اخلاقی نیز می‌شود. بدین معنا که نوعی کمک و مساعدت برای بیمار و یا شخصی محسوب می‌شود که به دلایل مختلف از ادامه حیات ناامید شده است و خواهان قطع حیات خویش توسط شخص دیگری است. این موضوع بیش از هرچیز در محافل پزشکی مطرح می‌شود که به معنای مساعدت پزشک (به اشکال مختلف داوطلبانه، اجباری، فعال، غیر فعال و...) به بیمار است که به حیات خویش پایان دهد. به عنوان مثال، در صورتی که پزشک خود اقدام به کشتن بیمار نماید، قتل ترحم‌آمیز مستقیم است، اما اگر وسایل خودکشی را در اختیار او قرار دهد، قتل ترحم‌آمیز غیر مستقیم است (۳).

در نهایت این که اتانازی، مفهومی کلی و فراگیر است که جنبه‌های مختلفی دارد و می‌تواند شامل: اتانازی فعال داوطلبانه، اتانازی فعال غیر داوطلبانه، اتانازی فعال اجباری، اتانازی فعال غیر فعال، اتانازی غیر مستقیم و خودکشی مساعدت‌شده باشد. بنابراین خودکشی مساعدت‌شده به عنوان یکی از انواع اتانازی قابل شناسایی است که درباره آن بیان می‌شود: پزشکان به انسان‌ها کمک می‌کنند که مرگشان راحت باشد و به عبارتی به آن‌ها «مرگ شیرین» اهدا می‌کنند (۴). همچنین در مواردی که پزشک به صورت فعال، درباره بیماری که اذن به قتل داده است، اقدام به اتانازی نماید، اتانازی داوطلبانه فعال نامیده می‌شود و چنانچه اذن مقتول مفقود باشد، مورد اتانازی غیر داوطلبانه خواهد بود (۵).

باید افزود، اصطلاح مرگ شیرین در همه نظام‌های حقوقی معنای یکسانی ندارد و با توجه به نظام حقوقی حاکم و قواعد موضوعه در پاره‌ای از کشورها، از جمله در حقوق ایران حتی از آن به عنوان قتل نیز استنباط می‌شود و تنها تفاوت آن با قتل در این است که از جنبه‌های اخلاقی و مساعدت ورزانه به مرگ یک انسان منجر می‌گردد.

۲- خودکشی مساعدت شده

همانطور که گفته شد اتانازی دارای انواع مختلفی است که خودکشی مساعدت شده یکی از آنهاست. این اصطلاح که غالباً خودکشی مساعدت شده پزشکی نیز نام می‌گیرد، بر این موضوع دلالت می‌کند که مرگ یک بیمار توسط شخص دیگری از جمله پزشک میسر شود. خودکشی مساعدت شده به معنای آن است که پزشک یا هر فرد دیگری، داروهای مرگ‌آور را برای بیمار فراهم می‌کند، در عین حال که می‌داند قصد بیمار در استفاده از آنها خودکشی است. در این حالت، نیت پزشک، کاهش درد بیمار یا قطع درمان‌های پزشکی مزاحم یا بی‌بهره است (۶). با این حال، این مساعدت در نهایت به مرگ بیمار منجر می‌شود و از این جهت به دلیل این که پزشک نیز در موضوع قتل دخیل است به عنوان خودکشی مساعدت شده از آن یاد می‌شود.

در مجموع، خودکشی مساعدت شده یک نوع از اتانازی است که با مساعدت پزشک و برای پایان دادن به حیات بیمار صورت می‌گیرد. بنابراین با جرح و تعدیل می‌توان گفت خودکشی مساعدت شده عبارت است از فراهم‌آوری زمینه مرگ افرادی که به عللی چون بیماری غیر قابل علاج، کهولت سن یا نقصان در خلقت، خود یا اطرافیان وی خواهان پایان دادن به حیات‌اند (۱). این مسأله هنگامی که به وسیله پزشک از راه‌های مختلفی از جمله فراهم کردن دارو، وسایل خودکشی و... صورت می‌گیرد، ابعاد حقوقی خاصی به خود می‌گیرد و به جرأت می‌توان گفت یکی از چالش‌های اساسی میان نظام‌های حقوقی مختلف است.

بنابراین خودکشی مساعدت شده نوعی قتل محسوب می‌شود، با این تفاوت که هدف از این نوع قتل، ترحم و دلسوزی نسبت به بیمار است که درصدد رهایی از رنج و عذاب لاعلاج است، هرچند این موضوع از قبل با اختیار بیمار و یا اطرافیان وی صورت گیرد و به نوعی پزشک تنها وظیفه دارد شرایط لازم از جمله تهیه داروهای لازم یا قطع وسایل پزشکی برای اتمام حیات بیمار را مهیا سازد، اما در هر صورت تحت عنوان مساعدت در خودکشی قابل طرح است و به نوبه خود آثار اخلاقی متعددی در حوزه‌های مختلف بر جای می‌گذارد.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر از آن جهت که موضوع خودکشی مساعدت شده را به عنوان یکی از موضوعات حساس و مجادله‌برانگیز در فقه و حقوق داخلی ایران مورد توجه قرار داده است، نیازمند توجه

به ملاحظات اخلاقی خاصی است که از مهم‌ترین آن، حفظ ملزومات اخلاقی و نگارشی در متن مقاله است. همچنین دستیابی به نتایج معتبر برای حل مشکلات اخلاقی جامعه که ممکن است تحت تأثیر قوانین وارداتی دچار لغزش شوند، بسیار مهم و حائز اهمیت می‌باشد. از این جهت، اطلاعات حاصل از نتیجه تحقیق به طور کامل محفوظ است.

تاریخچه و زمینه‌های خودکشی مساعدت‌شده

۱- خودکشی مساعدت‌شده در جهان

بحث در مورد اصول اخلاقی و قانونی بودن مرگ داوطلبانه، بیشتر در نیمه آخر قرن بیست و اوایل قرن ۲۱ میلادی مطرح شد. این مفهوم ریشه در اعتقادات رومیان داشته است. با این حال، قتل ترحم‌آمیز برای اولین بار، در سال ۱۹۸۴ توسط انجمن سلطنتی پزشکان هلند مورد تصویب قرار گرفت که بر اساس آن هیچ پزشکی به دلیل کمک به مرگ داوطلبانه بیماران تحت تعقیب قرار نمی‌گرفت (۷). پس از این موضوع و سرایت کردن قانون مرگ داوطلبانه در برخی از کشورهای اروپایی از جمله شوروی سابق، آلمان، هلند، سوئیس و حتی ایالات متحده آمریکا، ابعاد جهانی به خود گرفت و چالش تازه‌ای برای نظام‌های حقوقی دنیا پدید آورد که موافقان و مخالفان زیادی نیز حول آن به اظهار نظر پرداخته‌اند.

امروزه وجود برخی قوانین آزاد و حامی در کشورهای مختلف باعث شده تا شهروندان سایر کشورها برای بهره‌گیری از ملاحظات قانونی اتانازی و یا شکل خاص آن خودکشی مساعدت شده، به کشورهای دیگر مهاجرت کنند و یا در آنجا اقامت گزینند، چنانکه در این باره گفته می‌شود: در «کشورهایی مثل سوئیس، نه تنها قانون در این مورد برخورد ملایم‌تری را برگزیده است، بلکه کلینیک‌هایی برای کمک به افرادی که مایل به سلب حیات از خود باشند، تأسیس شده است که با شرایطی این کار را تسهیل می‌کنند، لذا گاه اتباع انگلیسی که برای خودکشی نیازمند کمک دیگران هستند، به سوئیس سفر می‌کنند و در آنجا از مساعدت نزدیکان یا پزشکان برای سلب حیات خود بهره‌مند می‌شوند» (۸)، البته با تصویب «قانون خودکشی» در انگلستان، ضمن پیداشدن یک راه حل حقوقی برای جرم‌شناختن معاونت در خودکشی، این نگرانی که با الغای قانون مجازات خودکشی، این عمل قبیح رو به فزونی خواهد رفت، رفع گردید (۹).

در نهایت این که قواعد حقوقی مترتب بر خودکشی مساعدت شده در برخی کشورهای جهان باعث شده تا این قانون مورد توجه شهروندان در سایر نقاط جهان نیز قرار گیرد که هر کدام در مخالفت یا موافقت با آن دلایل خاصی را نیز مطرح می‌کنند. صرف نظر از ادله مخالفان و موافقان، آثار اخلاقی این مسأله در نظام‌های حقوقی و فرهنگ‌های مختلف تفاوت‌های قابل توجهی دارد و طیفی از مخالفت‌های آشکار و حمایت‌های قانونی و قضایی را دربر می‌گیرد. در رابطه با جهت‌گیری‌های نظام‌های حقوقی، می‌توان نظام حقوقی ایران و هلند را در این زمینه به عنوان دو طیف مخالفت آشکار و حمایت قانونی از خودکشی مساعدت شده، نام برد.

۲- خودکشی مساعدت شده در ایران

آنانازی و انواع مختلف آن از جمله خودکشی مساعدت شده هرگز جایگاهی در نظام حقوقی ایران پس از انقلاب اسلامی نداشته است. ایرادات متعددی که بر این قانون وارد است، مانع از پذیرش آن توسط قانونگذار شده است. بنابراین در ایران، به دلیل نوع نگاه فقه‌ای قانونگذار و هیأت حاکمه به کلیه گرایش‌ها و از جمله مباحث مربوط به اخلاق پزشکی از یکسو و همچنین بافت مذهبی لایه‌های میانی اجتماع و اعتقادات غیر قابل استدلال در مورد مقوله مرگ و زندگی از سوی دیگر، طرح موضوع جنجال‌برانگیزی مانند مرگ خوب و راحت یا قتل از روی ترحم - که حتی در خود اروپا بالاخص جناح واتیکان، هنوز با آن کنار نیامده است - شاید چیزی جز مزاح علمی نمی‌تواند باشد (۶). بنابراین نفی خودکشی مساعدت شده در مبانی قوانین موضوعه و همچنین نداشتن صبغه تاریخی، اجتماعی و دینی در جامعه ایران بیش از هر چیز باعث شده تا خودکشی مساعدت شده نه تنها مورد پذیرش قرار نگیرد، بلکه حتی زوایای مختلف بحث قتل در قانون مجازات اسلامی و همچنین رویکرد قانون جرائم رایانه‌ای نیز به عنوان زمینه‌های جرم‌انگاری آن مورد توجه خاص قرار گیرد.

رویکرد فقهی و دینی حاکم بر قواعد حقوقی و تقنینی باعث شده تا شکل خاصی از قوانین در زمینه مقابله با قتل، مساعدت و معاونت در زمینه شکل‌گیری آن شکل بگیرد. با این حال، خودکشی یا خودزنی در قوانین ایران، جرم شناخته نشده است. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی و اصلاحات آن در سال ۱۳۵۲، خودکشی جرم نبود و اساساً راجع به خودکشی، شروع به خودکشی یا معاونت و مشارکت در خودکشی، مجازاتی پیش‌بینی نشده بود. در حال حاضر نیز در قوانین جزایی ایران، خودکشی یا شروع به آن جرم نیست، زیرا اعمال

کیفری نسبت به خودکشی کننده، واجد جنبه پیشگیری نیست و هر نوع عکس العمل قانونی، موجب لطمه مادی و معنوی به بستگان وی خواهد بود. در عین حال، سایر صدمات بدنی شخصی، در صورتی که توأم با مسؤولیت خاص باشد، در مواردی جرم و قابل مجازات است (۱۰). یکی از این جنبه‌ها که به طور خاص می‌تواند باعث مرگ یک نفر شود، خودکشی مساعدت شده است که آثار اخلاقی و اجتماعی متعددی از منظر فقه و حقوق اسلامی بدان نسبت داده شده است.

باید توجه داشت که قتل از روی ترحم (Euthanasic) یا (Mercy Killing) به عنوان یکی از مفاهیم مجادله برانگیز در حقوق، فقه و حقوق پزشکی، در نظام حقوقی ایران، عموماً به عنوان قتل عمدی شناخته می‌شود که مجازات قصاص را به همراه دارد. در واقع پیش‌بینی چنین سیاست جنایی، برگرفته از آموزه‌های دین مبین اسلام است که بر حفظ حیات در همه حال تأکید داشته است، حتی زمانی که انگیزه شخص از چنین اقدامی حس ترحم‌آمیز و توأم با انسان دوستی او باشد (۷). بر این اساس و با توجه به تعالیم فقهی، اگر پزشکی برای رهایی از درد و رنج، بدون اذن بیمار مبادرت به قتل کند، قطعاً مسؤول بوده و در ارتکاب قتل عمد، مستوجب قصاص خواهد بود، چراکه چنین قتلی مسلماً مصداق تام و کامل قتل عمد بوده و هیچ محملی برای خروج آن از قتل عمد و تبعاً قصاص وجود ندارد (۵).

با این حال از نظر موضوعی، اتانازی از حیث نحوه ارتکاب به فعال و غیر فعال و از نظر اراده و خواست فرد به داوطلبانه و غیر داوطلبانه تقسیم شده و هریک از اقسام یادشده، مباحث اخلاقی و فقهی متعددی را به خود اختصاص داده که حاصل آن‌ها را به لحاظ فقهی می‌توان در حرمت شرعی همه اقسام اتانازی خلاصه کرد (۱)، البته انتساب قتل عمد وفق قوانین کیفری در این رابطه نیازمند تحقق شرایط قانون است. در هر صورت، جنبه‌های اخلاقی و آثار متعددی که خودکشی مساعدت شده بر حوزه‌های اخلاق اجتماعی بر جای می‌گذارد، باعث شده تا فقه اسلامی از دریچه آیات و روایات، بدان بپردازد که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود.

آثار اخلاقی خودکشی مساعدت شده در آیات و روایات

اولین ضرورت اخلاقی که باعث نفی و حرمت خودکشی مساعدت شده در فقه اسلامی و قوانین داخلی می‌شود، سپردن امور حیات و مرگ به دست خداوند است و از این جهت، هیچ

یک از انواع بشر حقی برای پایان دادن به حیات دیگری ندارد. بنابراین حق حیات در قرآن و منابع قانونگذاری در اسلام برای تصاحب جان انسان‌ها، تنها بر عهده خداوند است. همانطور که آیه شریفه زیر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد» (۱۱).

همچنین در آیه دیگری نیز در این زمینه بیان شده است: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ آن‌ها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم» (۱۱).

بنابراین اصل اخلاقی اولیه در نفی خودکشی مساعدت‌شده که نوعی قتل نیز محسوب می‌شود، توجه به عدم حاکمیت انسان‌ها بر حیات و ممات دیگران است که در اصل به خداوند متعال واگذار شده است. همچنین اخلاق و حقوق اسلامی حاکی از آن است که خودکشی مساعدت‌شده نوعی قتل انسان است. این موضوع که در برخی کشورها از جمله هلند و سوئیس نسبت به این مسأله با تسامح بیشتری برخورد می‌شود و حتی در هلند منع قانونی ندارد، نمی‌تواند حکمی برای باب‌شدن آن در نظام اسلامی باشد که بر اساس فقه اداره می‌شود. این تفاوت توسط برخی پژوهشگران در این زمینه این‌گونه بیان شده است: «جنین، قبل از دمیده شدن روح به ویژه در حقوق غرب، انسان تلقی نمی‌شود تا سلب حیات از وی مشمول حکم اتانازی شود. این در حالی است که در حقوق اسلام، حق حیات داشتن جنین از مسلمات است و به همین دلیل، سلب حیات از جنین ناقص‌الخلقه هم می‌تواند از مصادیق قتل از روی ترحم به شمار آید» (۱). بدیهی است این مسأله درباره انسان بالغ که به بیماری دچار شده است، از شدت بیشتری برخوردار است. بدین ترتیب در بُعد اخلاق اسلامی نیز اغلب حقوقدانان و فقها بر ممنوعیت خودکشی، حتی در صورت درخواست بیمار و هرگونه مساعدت به وی نظر داده‌اند (۱۲).

از طرفی دیگر، فقه اسلامی و منابع دینی بر ضرورت حمایت و مراقبت از بیمار تأکید می‌کنند و این اصل نشان‌دهنده آن است که آموزه‌های اخلاق اسلامی برخلاف آموزه‌های فردگرایانه غربی بر کرامت و اصالت ذاتی انسان‌ها تأکید ویژه‌ای دارند و به همین دلیل حکم بر جایزدانستن خودکشی مساعدت‌شده نوعی نقض آشکار قوانین الهی است، زیرا در قرآن کریم به بیماران وعده داده شده است که منتظر شفای خداوند خویش باشند و هرگز جوازی بر قتل

بیمار، حتی در صورت دچار شدن به بیماری لاعلاج صادر نشده است. همانطور که آیه شریفه زیر بیان می‌دارد: «وَ إِذَا مَرَضْتُ فَبُهِتُ يَسْتَفِينُ؛ و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد» (۱۱). همچنین در قرآن کریم، زندگی انسان سرشار از پیچیدگی‌ها و مشکلات معرفی شده است که برای غلبه بر آنان نیازمند تلاش و توکل بر عظمت خداوندی است. همانطور که در سوره بلد این‌گونه بیان شده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ؛ که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنج‌هاست)» (۱۱).

همچنین از حضرت رسول اکرم (ص) روایت شده است که می‌فرماید: «هیچ مرد و زن مؤمن و مسلمانی مریض نمی‌شود، مگر این‌که خداوند به سبب آن بیماری، گناهان او را می‌بخشد» (۱۳).

بنابراین اخلاق اسلامی چنین حکم می‌کند که به موضوع بیماری نه به عنوان پایانی برای مرگ نگاه شود، بلکه آنچه مهم است، تلاش برای بازسازی روحی و معنوی و پی‌بردن به رحمت و شفای پروردگار متعال است. به تعبیر برخی اسلام‌شناسان که در این زمینه چنین بیان می‌کنند: «در اخلاق اسلامی همانند سایر امور اجتماعی و فردی، بیماری نیز به مثابه یک فرصت برای بازسازی معنوی و اخلاقی فرد و جامعه تلقی می‌شود. بنابراین انسان می‌تواند با صبر در بیماری مبادرت به تقویت ایمان خود کند که باعث تقرب الهی می‌شود و این بیماری هم ارزشمند می‌شود» (۱۴). بنابراین اقدام به خودکشی حتی در شرایط بیماری‌های لاعلاج بی‌توجهی به سنت الهی و اخلاقی است و به همین دلیل، قانونگذار بر نفی و حرمت آن حکم داده است و هرگز در قوانین داخلی اعم از قوانین کیفری و اساسی سخنی از جواز خودکشی مساعدت‌شده بیان نشده است، هم‌چنانکه در نزد برخی از فقها، شدت حرمت خودکشی بیشتر از قتل در نظر گرفته شده است (۱۵).

از طرف دیگر، خداوند متعال با هشدار نسبت به ناسپاسان و کافران بر این نکته تأکید می‌کند که تنها اوست که مسؤولیت زنده کردن و میراندن موجودات اعم از انسان‌ها، حیوانات و نباتات را بر عهده دارد و تخطی از این اصل، زیر پا گذاشتن اخلاق انسانی و الهی است که می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای بشر داشته باشد. همانطور که آیه شریفه در این زمینه چنین بیان می‌کند: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی‌روحي) بودید و او شما

را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند و بار دیگر شما را زنده می‌کند، سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید» (۱۱).

خداوند متعال در این آیات به صراحت به انسان‌ها گوشزد می‌کند که زنده کردن و میراندن انسان‌ها تنها از جانب ساحت ربوی امکان‌پذیر است و نمی‌توان حکم مرگ انسان‌ها را به دستان دیگران واگذار نمود. مطابق آیه شریفه زیر که بیان می‌دارد: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست و اوست که باران را نازل می‌کند و آنچه را که در رحم‌ها (ی مادران) است می‌داند و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ به درستی که خداوند عالم و آگاه است» (۱۱).

بررسی آیات فوق نشان می‌دهد که در اخلاق اسلامی، احکام و قواعد سخت‌گیرانه‌ای نسبت به ارتکاب این عمل بیان شده است (۱۶). بدین ترتیب اخلاق اسلامی و منبعث از آموزه‌های قرآنی بر این امر تأکید می‌کنند که حتی فقر و مشکلات مالی نیز نمی‌تواند حجتی برای جواز قتل انسان تلقی شود. در این زمینه نیز به آیه ۳۱ سوره اسراء استناد می‌شود که می‌فرماید: «وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ؛ هرگز فرزندان خود را از روی ترس فقر به قتل مرسانید» (۱۱).

آیه فوق هرچند بر رفتارهای جاهلی در زمانه پیامبر گرامی اسلام (ص) مبنی بر قتل و کشتن فرزندان تأکید می‌کند، اما در هر صورت به طور کلی از آن استنباط می‌شود که هرگونه کشتن ناحق (از روی فقر و تنگدستی و دچار شدن به بیماری لاعلاج) امری مذموم و خلاف اخلاق اسلامی است. بر این اساس، اقدام به خودکشی به وسیله بیمار و به تبع آن نیز هرگونه مساعدت و کمک پزشکی به وی در این امر ممنوع بوده و جرم محسوب می‌شود (۱۷). بر این اساس و با توجه به رهنمودهای قرآن کریم، آن‌هایی که از شیطان پیروی می‌کنند و از وجود فرزند جلوگیری می‌کنند، خداوند به خاطر ناسپاسی آنان به خاطر وجود این نعمت، آن‌ها را نیز از سایر نعمت‌های خود بی‌بهره می‌گرداند. پس یکی از مواردی که باعث ایجاد مشکل گردیده است، سرپیچی از این دستور الهی است (۱۸). به نظر می‌رسد بسط موارد نافرمانی از دستورات الهی به طور مشخص می‌تواند خودکشی مساعدت‌شده را نیز مطمح نظر قرار دهد، زیرا خودکشی مساعدت‌شده همانند کشتن فرزندان، نوعی قتل و کشتن انسان‌ها با دلایلی همچون فقر، تنگدستی، مشکلات لاعلاج و... است. از این منظر، اخلاق اسلامی و سیره رسول گرامی

اسلام (ص) در جهت حذف و از بین بردن شیوه‌های مذموم یاد شده است و بازگشت آنان در قالب‌های حقوق بشری هرگز نمی‌تواند با اخلاق اسلامی سازگاری داشته باشد، چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ؛ کسانی که فرزندان خود را با سفاقت و نادانی کشتند، زیانکار و از آنچه خداوند روزیشان قرار داده بی‌بهره‌اند، چون به خدا افترا بسته گمراه گشته و هدایت نیافتند» (۱۱).

آثار اخلاقی خودکشی مساعدت‌شده از نظر اخلاق اجتماعی

پذیرش خودکشی مساعدت‌شده در حقوق داخلی دارای آثار متعددی در حوزه‌های اجتماعی است. استدلال می‌شود که پذیرش این مسأله از یک طرف باعث ترویج و گسترش آن توسط سایر آحاد جامعه می‌شود که در نهایت می‌تواند باعث رواج بی‌بند و باری و دورشدن از معیارهای اخلاق اجتماعی اسلامی گردد. به عبارتی دیگر، در حوزه اخلاق اجتماعی، قانونی شدن مساعدت در خودکشی پزشکی برای بیماران لاعلاج می‌تواند باعث سوق داده شدن سایر افراد جامعه برای خودکشی توسط پزشک شوند. به نظر می‌رسد «الگوی اجتماعی» شدن خودکشی مساعدت‌شده از این نظر تهدیدکننده اخلاق اجتماعی در سطوح مختلف است. از این پدیده با عنوان «شیب لغزنده» یاد شده است، به طوری که بر اثر رواج این قانون برای بیماران لاعلاج، بسیاری از معلولان، سالمندان و به طور کلی اقشار ضعیف جامعه در برخی موقعیت‌ها آن چنان تحت فشار قرار می‌گیرند که ناچار می‌شوند به این مسأله تن دهند (۱۹). بنابراین در این نظریه از نظرگاه اخلاقی استدلال می‌شود که اشاعه این امر ممکن است به طور فزاینده‌ای باعث افزایش قتل‌های سفارشی شود و در نتیجه، این موضوع را از کنترل‌های لازم خارج سازد (۱۷).

شیوع و گسترش خودکشی مساعدت‌شده بر اثر پذیرش قوانین ناشی از آن، می‌تواند از جهت دیگری نیز قابل بررسی باشد و آن هم کاسته شدن از جمعیت مسلمانان در برابر کافران در شرایط مختلف است. بنابراین آثار پدیده «شیب لغزنده» در این زمینه می‌تواند به کم شدن و حتی تهدید نسل مسلمانان منجر شود. این استدلال در راستای حمایت از افزایش جمعیت و مقابله با روش‌های کنترل جمعیت نیز قابل طرح است. همانطور که برخی پژوهشگران در این

زمینه بیان می‌کنند: «لذا [دشمنان] به خاطر ضعیف کردن کشورهای اسلامی و از بین بردن نیروی انسانی مسلمانان دست به هر اقدامی می‌زنند، از جمله این اقدامات جنگ‌ها و خونریزی‌ها و نسل‌کشی‌ها که بین مسلمانان راه می‌انداختند. جدیدترین و مهم‌ترین ترفند آنان برای از بین بردن اسلام و مسلمین همین برنامه کنترل جمعیت است (۲۰). بنابراین با اندکی تأمل می‌توان یکی آثار خودکشی مساعدت‌شده را تهدید نسلی مسلمانان تلقی کرد، هرچند این اصل با هدف و نیت خاصی از سوی کشورهای غربی دنبال شود، اما نتایج قهری آن کم‌شدن جمعیت مسلمانان در دوره کنونی است. بر این اساس، به نظر می‌رسد آنچه که بر اساس اصول و قواعد فقهی، در حوزه نظری در این زمینه می‌توان حکم کرد، ثبوت قصاص است و استناد به اذن بیمار (مقتول) به قاتل برای قتل وی، برای مشروعیت اتانازی داوطلبانه فعال، بلاوجه می‌باشد و چنین اذنی بلااثر بوده و مسقط حکم قصاص نیست (۵).

علاوه بر این، بررسی متون فقهی و قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که امکان امتناع پزشک از تلاش برای ادامه حیات بیمار پیش بینی نشده است. به عبارتی دیگر، تاکنون دلیلی بر جواز این ترک فعل به واسطه عنوان ترحم و دلسوزی در فقه و شرع بیان نگردیده و مسأله دیگر این که اذن یا عدم اذن بیمار در نتیجه مسأله تأثیری ندارد. همچنین اذن، حکم تکلیفی حرمت قتل یا حرمت ترک انقاز را برطرف نمی‌کند و فقط می‌تواند وفق برخی اقوال، ضمان را در بر گیرد و چون در این فرض ضمانی وجود ندارد، بنابراین حکم در وجود اذن و عدم اذن یکی خواهد بود (۲۱). در این صورت، خودکشی مساعدت‌شده با هر نیتی که صورت گیرد، نوعی قتل محسوب می‌شود که مجازات آن در قوانین مشخص شده است. به طور خاص درباره خودکشی مساعدت‌شده می‌توان چنین بیان کرد که در این حالت، پزشک قصد کشتن بیمار را دارد و عملی که او انجام می‌دهد نیز کشنده است، لذا عمل او قتل عمد محسوب می‌شود و انگیزه شرافتمندانه یا رضایت مجنی‌علیه نیز تأثیری در عدم مسؤولیت کیفری پزشک نخواهد داشت، چراکه حقوق جزا فراتر از روابط شخصی افراد خصوصی، حاکم است (۷).

پذیرش خودکشی مساعدت‌شده تهدیدی برای امنیت اخلاقی جامعه اسلامی نیز محسوب می‌شود که به طور مشخص می‌تواند بیماران جامعه را دچار ترس و تهدید دائمی کند، زیرا با قانونی‌شدن «اتانازی» در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی حرمت نفس انسان از بین می‌رود. همچنین پتانسیلی برای سوء استفاده به وجود می‌آید و زندگی و حیات ارزش خود را از دست

داده و راه برای خودکشی و دگرکشی سفارشی هموار می‌شود و همچنین قبح قتل نفس از میان می‌رود و دیگر هیچ بیمار و سالمندی احساس امنیت نمی‌کند (۲۱). بنابراین جنبه عمومی خودکشی مساعدت‌شده به عنوان یک عمل اجتماعی ناصواب همچنان پابرجاست و تبعات اخلاقی آن می‌تواند آثار نامطلوبی به دنبال داشته باشد. از آنجا که هدف دین اسلام در عرصه عمومی، برقراری نظم، امنیت و آرامش جمعی است، بنابراین رسیدگی قضایی به خودکشی مساعدت‌شده نیز مورد توجه است، هم‌چنانکه علاوه بر قوانین موضوعه، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برقراری روابط اجتماعی مبتنی بر کرامت و عدالت فارغ از نژاد، جنس، رنگ، قوم و قبیله مورد توجه است. بنابراین قواعد عمومی دین اسلام می‌بایست توسط قوانین موضوعه نیز مورد حمایت قرار گیرند. همانطور که مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (۲۲). از این جهت، حفظ و تداوم این حقوق از جنبه‌های مختلف نیز حائز اهمیت فراوان است. بنابراین نمی‌توان تنها به جنبه‌های خصوصی و روابط خصوصی افراد توجه نشان داد و از آثار اجتماعی و اخلاقی اعمالی نظیر خودکشی مساعدت‌شده غفلت ورزید. به علاوه این‌که، رویکرد اساسی حاکمیت اسلامی در حقوق شهروندی، کیفی‌گرایی در حقوق و تکالیف است و نه کمیت‌محوری (۲۳). بنابراین زیست اخلاقی و برقراری زندگی آرام و مسالمت‌آمیز در جامعه اسلامی یکی از اهداف مهم اخلاق اسلامی است که با پذیرش خودکشی مساعدت‌شده می‌تواند تحت‌الشعاع قرار گیرد.

به هر تقدیر، پذیرش خودکشی مساعدت‌شده به عنوان یکی از انواع آتانازی، آشکارا آثاری اجتماعی به دنبال دارد. به همین دلیل، بررسی آثار اخلاقی این حکم در عرصه اجتماع بسیار مهم است. همانطور که اغلب مشکلات و جرائم در فقه اسلامی از منظر عمومی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند، حتی هنگامی که قتل عمد نیز صورت می‌گیرد و با بخشش اولیای دم خاتمه پیدا می‌کند، جنبه عمومی این مسأله همچنان پابرجا باقی می‌ماند. به همین دلیل است که بیان می‌شود: «اگر مجازات برای حمایت منافع خصوصی افراد صورت می‌گرفت، ممکن بود رفع مسؤولیت جزایی مرتکب را در صورت رضایت مجنی‌علیه برهانی دانست، ولی هدف مجازات، حفظ نظم عمومی است، نه ارضای افراد خصوصی. بنابراین قاعده عمومی این است که رضایت

مجنی‌علیه، نافی مسؤولیت جزایی نیست و آن را از این بین نمی‌برد» (۲۴). علاوه بر جنبه عمومی و اخلاقی خودکشی مساعدت‌شده، آثار شرعی این قاعده همچنان مورد توجه فقه و اخلاق اسلامی است. به همین دلیل، در راستای حمایت از اخلاق اجتماعی و جلوگیری از ترویج این سنت سیئه، قانون مجازات اسلامی نیز به این مسأله توجه داشته است؛ همانطور که در راستای ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی (که اکنون ماده ۳۶۵ قانون مصوب ۱۳۹۲ جایگزین آن شده است) برخی، چنین بیان داشته‌اند: «هیچ کس نمی‌تواند درخواست قربانی را عامل توجیه جنایت خویش بداند، زیرا اذن و رضایت بزه‌دیده، حرمت و ممنوعیت شرعی آن را متزلزل نساخته و موجب اباحه فعل مجرمانه جانی و جواز جنایت نمی‌گردد» (۲۵). بنابراین در اخلاق اسلامی، اعمال پزشک و خودکشی بیمار هرگز جنبه شخصی و خصوصی نداشته و با توجه به جنبه عمومی این جرم، مذموم و حرمت آن در شرع و همچنین تبعات اجتماعی آن، امری ضد اخلاقی است که نمی‌توان به پذیرش آن حکم داد.

یکی دیگر از آثار اخلاقی خودکشی مساعدت‌شده در جامعه این است که به پدیده بی‌اعتمادی اجتماعی میان مردم و جامعه پزشکان و حتی نهادهای قانونی و اجرایی در این زمینه دامن می‌زند. بدین معنا که خودکشی مساعدت‌شده توسط پزشک باعث بی‌اعتمادی مردم نسبت به جامعه پزشکی می‌شود و حتی ممکن است خشونت‌ها را نسبت به جامعه پزشکی بالاتر ببرد. همچنین این امر نوعی مسؤولیت‌گریزی فردی و اجتماعی برای پزشک و جامعه پزشکی ایجاد می‌کند که تلاشی برای نجات جان بیماران لاعلاج نمی‌کنند و با مساعدت در خودکشی بیماران، از مسؤولیت‌های شغلی و قانونی خویش فرار می‌کنند.

همچنین بر اساس دلایل عقلی، نقلی و استدلال‌هایی در جهت حمایت از اخلاق زیستی در میان شهروندان، در منابع اسلامی بر حرمت جنایت بر خویش و اقدام به خودکشی و تبعاً مساعدت در آن، تأکید شده است (۲۶). موضوع مزبور به خوبی در قوانین داخلی نیز نمود یافته است. همانطور که قانونگذار در بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ در این رابطه چنین آورده است: «هر کس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

۱- ...

۲- چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت عمومی یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی با اعمال خشونت‌آمیز، تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.»

باید افزود، اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که قواعد و قوانین موجود مخصوصاً در حوزه‌های اجتماعی مطابق با فرهنگ، دین و باورهای ارزشی جامعه اسلامی سامان یابد. بنابراین پذیرش کورکورانه قوانین سایر کشورها از جمله کشورهای غربی که رویکردی سکولار و فردگرایانه نسبت به تدوین قوانین دارند، باعث تهدید و فروریزش کردن ارزش‌های اخلاق اسلامی می‌شوند. از این منظر، باید پذیرفت خودکشی مساعدت‌شده در مقررات برخی کشورها تا حدی ناشی از مبانی نظری و باورها و فرهنگ همان کشورهاست که به هیچ وجه قابل انطباق با مبانی فقهی و قواعد حقوقی برخاسته از فقه نیستند. از این رو رعایت مرزبندی بین حقوق اسلام و غرب در این زمینه مهم است (۱).

نتیجه‌گیری

خودکشی مساعدت‌شده یکی از انواع آتانازی است که در نظام‌های حقوقی جهان طرفداران و مخالفان زیادی دارد. با این حال، از حیث اخلاقی، به کارگیری و پذیرش این قانون در جامعه اسلامی دارای آثار و تبعات جبران‌ناپذیری است. از جمله این‌که، حرمت قتل و از بین بردن انسان به ناحق به عنوان اصل مسلم در فقه اسلامی شناخته می‌شود و از این جهت ترویج و حمایت از خودکشی مساعدت‌شده منافی اصل فوق شناخته می‌شود. علاوه بر این، خودکشی مساعدت‌شده در حیطه اخلاق اجتماعی باعث مسؤولیت‌گریزی جامعه پزشکی و سلب اعتماد عمومی مردم و مخصوصاً بیماران نسبت به آنان می‌شود، هم‌چنانکه کاستن از جمعیت مسلمانان در پس توطئه‌های پنهان و مرموز ایدئولوژی حقوقی غرب نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در واقع، اخلاق اسلامی حکم می‌کند که کاستن از جمعیت مسلمانان نمی‌بایست به گونه‌ای باشد که زمینه تسلط کافران بر مسلمانان را فراهم سازد. باید تأکید نمود، مبانی و اصول اخلاقی حاکم بر نظام‌های حقوقی غرب و اسلام و وجوه افتراق این دو به عنوان یک

ملاحظه اساسی در ارتباط با عدم امکان پذیرش خودکشی مساعدت شده در نظام حقوقی ایران می‌بایست مورد نظر قرار گیرد.

تحول در نظام‌های حقوقی و پاسخگویی به نیازهای مستحدثه هنگامی می‌تواند مفید باشد که ارزش‌های اساسی جامعه را خدشه‌دار نسازد، بلکه اخلاق اجتماعی و فردی را به عنوان ملزومات یک جامعه مد نظر قرار دهد. به نظر می‌رسد خودکشی مساعدت شده علی‌رغم وجهه ترحمی و دلسوزانه‌ای که در آن نهفته است، آشکارا به تقویت همگانی شدن خودکشی در شئون مختلف کمک می‌نماید. بنابراین، عدم پذیرش موضوع از سوی قوانین داخلی و رعایت ملزومات اخلاقی در این زمینه به خوبی می‌تواند جامعه را از خطرات نابودی انسان‌ها و ارزش‌های اخلاقی آنان، برهاند. به نظر می‌رسد گنجاندن قوانینی قاطع و صریح، جهت تنویر ماهیت و تعیین مجازات مساعدت در خودکشی، منطبق با حرمت خودکشی مساعدت شده از منظر فقه و اخلاق اسلامی، قابل دفاع باشد.

References

1. Aghababaie Ban I. Jurisprudence and Legal Issues of Compassionate Murder (euthanasia). *Magazin the Mirror Research* 2013; 24(2): 97-105. [Persian]
2. Clarke P, Linezy A. *Dictionary of Ethics. Teology and Aociety*. London: Publications Routledge; 1996. p.336.
3. Basamina M. *Compassionate Murder from the perspective of Morality, Religion and Criminal Law*. Tehran: Publications Sina Cultural Law Institute; 2009. [Persian]
4. Karami KH. (Euthanasia) Easy and convenient death. Tehran: Islamic Publications Office; 2015. [Persian]
5. Khodayar H. Citing the rule of Thumb for the legitimacy of active voluntarye euthanasia. *Juornal Medical Jurisprudence* 2011; 3(6): 35-56. [Persian]
6. Javanmard B. The Concept of Euthanasia and its study from the viewpoint of Jurisprudence, Rights and Ethics. *Juornal Medical Law* 2001; 3(8): 107-167. [Persian]
7. Salimi A, Fathi MJ. Legal Analysis of Euthanasia in Islamic Penal Code Bill. *Iranian Journal of Medical Ethics and History* 2013; 6(3): 17-29. [Persian]
8. Mirmohammad Sadeghi H, Izadyar A. Physician Assisted Suicide: Frome Foundations of Criminization to Penal Reation. *Juornal Medical Law* 2015; 9(32): 160-205. [Persian]
9. Keynia M. *Foundations of Criminology*. Tehran: Publications University of Tehran; 2004. [Persian]
10. Goldozian I. *Exclusive Penal Law*. Tehran: Publications University of Tehran; 2004. [Persian]
11. The Holy Quran. Inshighagh: 6; Baghareh: 156; Shoara: 80; Baghareh: 28; Loqman: 34; Balad: 4; Asraa: 131; Anaam: 140.
12. Najafi MH. *Jawahir al-Kalam*. Qom: Publications Daro al-Kotob Islamieh; 1988.
13. Mohammadi Reyshahri M. *Mizan al-Hakameh*. Translated By Sahfie H. Qom: Publications Dar al-Hadith; 2001. [Persian]

14. Mesbah Yazadi MT. Pleasure and Bliss. Journal Islamic Revolutionary Guard Monthly 2015; 1(179): 15-26. [Persian]
15. Ibn-Abedin MA. Teklemeh. Qom. Publications Dar al-Feke; 1994.
16. Shafeie I. Alom Dar al-Fekr. Beirut: Publications Dar al-Ehya al-Tarath al-Arabia; 1978.
17. Sadeghi MH. Jurosprudence and Legal Review of Athanasius. Magazin Shiraz University Law Studies 2015; 7(2): 99-123. [Persian]
18. Shobeiri Zanjani M. The Book Marriage. Qom: Reasercher Institute Raypardaz; 1999. p.308. [Persian]
19. Mortazavi MJ. Athanasia from the perspective of Islam and modern medical Ethics. Iranian Journal of Medical Ethics and History 2008; 3(1): 35-44. [Persian]
20. Zareie B. Fundamentals of Economic and Social Demography. Tehran: Publications Samt; 2010. [Persian]
21. Jaafari Herandi M, Jabbarzadeh F. Euthanasia Jurisprudence and Legal Studies (Compassionate Death). Journal Jurisprudence and Islamic Law 2012; 8(22): 35-54. [Persian]
22. Mansour J. Constitute of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Publications Dowran; 2012. [Persian]
23. Javid MJ. Theory of Relativity in Citizenship Law. Tehran: Publication Gerayesh; 2009. [Persian]
24. Ali Abadi AH. Criminal Law. Tehran: Publications University of Tehran; 1969. [Persian]
25. Goldozian I. General Crimilal Law. Tehran: Publications Jihad Daneshgahi; 1994. [Persian]
26. Hor Amoli MH. Vasaal al-Shia. Beirut: Publications Dar al-Ehya al-Tarath al-Arabia; 1983. p.13.